

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۸

طنز مطبوعاتی و گفتمان‌های سیاسی در سه دورهٔ اصلاحات، اصول‌گرایی و اعتدال

نوشته

محمد مهدی فرقانی *

پرديس سياسي **

چکیده

مقالهٔ پیش رو در پی پاسخ به پرسش تأثیر تغییر گفتمان‌های سیاسی بر طنز مطبوعاتی است. به این منظور روزنامه‌های نماینده دو جناح اصولگرا (کیهان) و اصلاح طلب (جامعه، توس و شرق) در سال‌های اول ریاست جمهوری دولت‌های هفتم، نهم و یازدهم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. چارچوب نظری این پژوهش نظریه‌های سه‌گانهٔ طنز، نظریهٔ کارناوال میخائیل باختین و مسئولیت اجتماعی رسانه‌هاست و به این منظور طنزهای مکتوب و تصویری ۱۴۴ شماره از این روزنامه‌ها به روش تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این بررسی مشخص شد که روزنامه‌های جناح اصلاح طلب بر عکس روزنامه جناح اصولگرا متأثر از تغییر گفتمان‌های سیاسی هستند و برعکس نظریه باختین طنز مطبوعاتی نه در فضای بسته بلکه در فضای بازتر سیاسی به سمت طنز انتقادی پیش می‌رود.

کلیدواژه: طنز، نظریه‌های سه‌گانه طنز، نظریهٔ کارناوال میخائیل باختین، نظریهٔ مسئولیت اجتماعی، تحلیل محتوای کیفی.

مقدمه

در سال‌های اخیر دولتهایی با گفتمان‌های متفاوت، زمام امور کشور را در دست گرفته‌اند؛ گفتمان اصلاحات با روی کار آمدن دولت هفتم بر کشور حاکم شد، گفتمان اصول‌گرا و عدالت‌محور با شروع دولت نهم به صحنه آمد و سرانجام، گفتمان اعتدال که دولت یازدهم و دوازدهم را به عرصه آورد. گفتمان‌های مختلف با توجه به اهداف و خط مشی‌هایشان در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شعارها و عملکردهای متفاوتی دارند و شاید بتوان پیروزی یک دولت را برابر با پیروزی گفتمان مورد نظر آن دانست. مطبوعات به عنوان رسانه

* دانشیار علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) mmforghani@yahoo.com

** کارشناس ارشد روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبائی pardis. siyasi@gmail.com

انتقادی و تحلیلگر، به طور طبیعی با دولت‌ها و گفتمان‌های حاکم بر آنها برخورد می‌کنند. علاوه بر این، نظام مطبوعاتی در کشور ما، به نهاد دولت وابستگی‌های مستقیم و غیرمستقیم فراوان دارد، از یارانه‌ها و مساعدت‌های اقتصادی گرفته تا بخشی از نظام‌های نظارتی که همگی متأثر از سیاست‌های فرهنگی دولت‌ها نسبت به مطبوعات هستند. در رابطه با شیوه واکنش مطبوعات به عملکرد دولت‌ها، در کنار قالب‌های جدی و مرسوم انتشار مطلب، طنزهای مکتوب و تصویری، قابلیت‌های زیادی در بیان انتقادی مطالب دارند. قالب طنز بنا بر ماهیت خود دارای کارکردهایی چندگانه است که علاوه بر سرگرم‌کنندگی، می‌تواند ابزاری منتقد با قابلیت جذب مخاطبان باشد و همین امر، طنز مطبوعاتی را در رابطه‌ای نزدیک با گفتمان‌های سیاسی و نظام‌های قدرت قرار می‌دهد، در همین راستا، پرسش اصلی مقاله حاضر، چگونگی تأثیر گفتمان‌های سیاسی مطرح شده بر طنز مطبوعاتی کشور است. هدف اصلی پژوهش این است که تأثیر تغییر گفتمان‌های سیاسی را بر چگونگی طنز مطبوعاتی در روزنامه‌های هر دو جناح اصلاح‌طلب و اصول‌گرا در این سه گفتمان سیاسی، مشخص و تحلیل کنیم.

تعریف مفاهیم

تعریف طنز

یکی از مهم‌ترین مطالبی که برای تحلیل طنز، در هر شکل رسانه‌ای آن لازم و ضروری است، شناخت تعریفی است که آن رسانه از طنز دارد، در واقع تفاوت نگاه‌ها به طنز، ریشه در نگاه‌های فلسفی متفاوت به این مقوله در طول تاریخ دارند.

در میان تعریف‌های مختلف، تعریف یحیی آریان‌پور در جلد دوم کتاب *از صبا تا نیما*، تعریف مورد نظر این پژوهش از طنز بوده است:

آن نوع ادبی که در السنه غربی Satire نامیده می‌شود و در فارسی طنز اصطلاح شده، عبارت از روش ویژه‌ای در نویسندگی است که ضمن دادن تصویر هجوآمیزی از جهت‌های زشت و منفی و ناجور زندگی، معایب و مفاسد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی را به صورتی اغراق‌آمیز، یعنی زشت‌تر و بدتر از آنچه هست نمایش می‌دهد؛ تا صفات و مشخصات آنها روشن‌تر و نمایان‌تر جلوه کند و تضاد عمیق وضع موجود با اندیشه یک زندگی عالی و معمول، آشکار شود. بدین ترتیب قلم طنزنویس با هر چه که مرده و کهنه و واپس مانده است و با هر چه که زندگی را از ترقی و پیشرفت باز می‌دارد، بی‌گذشت و اغماض مبارزه می‌کند. مبنای طنز بر شوخی و خنده است، اما این خنده، خنده شادمانی نیست. خنده‌ای تلخ و جدی و دردناک است و همراه با سرزنش و سرکوفت و کمابیش زننده و نیش‌دار که با ایجاد ترس و بیم، خطاکاران را به خطای خود متوجه می‌سازد و معایب و نواقصی را که در حیات اجتماعی پدید آمده است برطرف می‌کند. (آریان‌پور، ۱۳۷۲: ۳۶)

علاوه بر این می‌توان طنزها را از نظر نحوه بیان و ارائه، انتخاب نوع کلام و فرم و ساختار نیز تقسیم‌بندی کرد.

انواع طنز از نظر نحوه بیان و ارائه

طنز تفسیری: طنزی است که در آن از کنایه، تمثیل، قیاس، مبالغه و اغراق خبری نیست و نفس واقعیت به تصویر کشیده می‌شود. در این نوع طنز وقایع و حقایق به طور مستقیم و صریح و البته با نگرشی خنده‌آور بیان می‌شوند مانند کارهای دهخدا. (حیدری، ۱۳۷۵: ۲۰)

طنز تمثیلی: طنزی است که در آن حقیقت و واقعیتی جدی به یک واقعیت دل‌نشین تشبیه می‌شود و طنز پرداز برای بیان مقصود و تشدید تأثیر بر مخاطب با استفاده از قیاس، تمثیل و تشبیهات مناسب و بجا ضمن اینکه باعث انبساط روح مخاطب می‌شود او را به واقعیت و حقیقتی عمیق توجه و تنبه می‌دهد. (همان: ۲۱)

انواع طنز از نظر شیوه انتخاب نوع کلام

طنز رسمی و مستقیم: در این طنز سخن‌گو اول شخص است و این «من» ممکن است مستقیم با خواننده سخن بگوید یا به واسطه کس دیگری که در اثر او مطرح است و به اصطلاح حریف نامیده می‌شود. کار این «پامنبری خوان» شرح و بسط و توضیح و تفسیر طنزهای سخن‌گوست. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۳۴)

طنز غیرمستقیم: طنزی است که در آن قهرمانان اثر خود و عقاید خود را به مسخره می‌گیرند. گاهی هم نویسنده با تفسیرهای خود و با سبکی روایی جزئیات را مسخره‌تر نشان می‌دهد مانند حکایت‌های بوستان و گلستان سعدی. (همان: ۲۳۶)

انواع طنز از نظر فرم و ساختار

طنز عبارتی: این طنز ریشه در بازی‌های لفظی و صناعت ادبی همچون: مثل، تمثیل، جناس و تضاد و طباق دارد و در آن با آوردن الفاظ و عبارات کنایی و دوپهلوی گاه متضاد در زبان معمول و رسمی آشنایی‌زدایی صورت می‌گیرد و همین است که خنده ایجاد می‌کند. (حیدری، ۱۳۷۵: ۲۲)

طنز موقعیتی: این طنز برخاسته از موقعیت‌ها و رفتار و کردار شخصیت‌ها، وقوع حوادث و بروز وضعیت‌های خنده‌دار است. (امامی، ۱۳۸۸: ۱۹۱)

انواع طنز از نظر محتوا و معنا

طنز تلخ یا سیاه: این طنز تعمق‌انگیزترین نوع طنز است که واقعیتی تلخ و گزنده را مطرح می‌کند. (حیدری، ۱۳۷۵: ۲۳)

طنز شیرین: در این نوع طنز رفتار و موقعیت به شکلی مطرح می‌شود که خنده و تفکر در آن به طور تفکیک ناپذیر به هم آمیخته‌اند. معمولاً کفه شوخی و بذله‌گویی بر کفه تفکر و تعمق می‌چربد اما با وجود این هیچ‌گاه خنده جنبه تفکرانگیز این نوع طنز را محو نمی‌کند. (همان)

علاوه بر طنزهای مکتوب طنزهای تصویری نیز بخشی از بار طنز رسانه‌های مکتوب را بر دوش می‌کشند. در ادامه به تعریف کاریکاتور و کارتون مطبوعاتی می‌پردازیم.

تعریف کاریکاتور

منشأ کاریکاتور را ممکن است از جهت تاریخی تا ۱۵۰۰۰ سال پیش در نقاشی‌های غارهای فرانسه و داستان‌های عامیانه مصر عقب برد. در این نقاشی‌ها با جابه‌جایی سر حیوان به جای سر انسان تصاویر کاریکاتورمانند کشیده می‌شد. اما مکتب نقاشی کاراچی در قرن نوزدهم، با اغراق در اعضای صورت با حفظ شباهت به اصل صورت، به منظور بیان بهتر حالات درونی افراد مبدأ واقعی آغاز این هنر بود. (حیدری، ۱۳۸۳: ۱۲)

طی جنگ جهانی اول کاریکاتور در مطبوعات رشد بیشتری کرد و پس از جنگ جهانی دوم، تعداد کاریکاتوریست‌های مطبوعاتی افزایش یافت. وقایعی مانند جنگ سرد، جنگ ویتنام، جنگ‌های اعراب و اسرائیل و ظهور چهره‌هایی نظیر کندی، خروشچف، تاچر و غیره به آن رونق بیشتری داد و کاریکاتور را از هنری مطبوعاتی به صنعتی جهانی بدل کرد. (همان: ۱۴)

لازم به ذکر است که کاریکاتور با کارتون اندکی متفاوت است. کاریکاتور ویژگی‌های شخصیتی افراد را به طور اغراق‌شده نشان می‌دهد و بیشتر بر چهره متکی است ولی کارتون تمام فعالیت‌های این شخصیت‌ها را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد و در آن از تیپ‌های گوناگون اجتماعی استفاده می‌کند در حالی که در کاریکاتور یک شخص خاص مورد نظر است و نه یک شخصیت یا تیپ اجتماعی. بنابراین حوزه فعالیت کارتون وسیع‌تر از کاریکاتور است (ضیایی، ۱۳۸۶: ۴۰). باید توجه داشت، تمام کارتونها کارتون مطبوعاتی تلقی نمی‌شوند. مارسل دنیس کارتون را نوعی نقاشی معرفی کرده و انواع سه‌گانه آن را به ترتیب زیر از هم متمایز می‌کند:

- کارتون‌های مطبوعاتی، بیانگر وقایع روز در مجلات و روزنامه‌ها
- کارتون‌های خنده‌دار، توصیف‌گر گروه‌های مختلف در مجلات یا کارت‌پستال‌ها
- کارتون‌های توضیح‌دهنده، روشن‌گر ابعاد یک موضوع به شیوه خنده‌آور. (دنسی، ۲۰۰۹: ۵۵)

بحث نظری

نظریه‌های طنز

در باب خندیدن و شوخی نظرات مختلفی در طول تاریخ ارائه شده که مهم‌ترین آنها در قالب نظریات سه‌گانه طنز قابل بررسی است.

نظریه‌های سه‌گانه طنز

جان موریل (John Morreall) یکی از برجسته‌ترین و فعال‌ترین پژوهشگران حوزه طنز در زمان معاصر است که مهم‌ترین اندیشه‌ها پیرامون مفهوم طنز و شوخی در تاریخ را در قالب یک تقسیم‌بندی سه‌گانه این چنین مطرح کرده‌است.

تئوری برتری (Superiority theory)

این نظریه که تا قرن هجدهم، یگانه فهم مسلط از مفهوم طنز و خنده بوده است، ریشه در اندیشه افلاطون، ارسطو و در طلیعه عصر مدرن، توماس هابز دارد. هابز در تحلیل این حس خندیدن، اصطلاح فخر ناگهان (Sudden glory) را به کار برده و آن را این طور تعریف می‌کند: «فخر ناگهان همان حسی است که آن اطواری را که خنده می‌نامیم باعث می‌شود و دلیل آن یا عمل ناگهانی خود شخص است، که به نظرش خوشایند آمده، یا درک چیز ناجور در دیگری که ناگهان فرد را به تحسین از خود و می‌دارد. این نوع خنده بیش از همه، در کسانی شایع است که از حضيض ناتوانی خود آگاه‌اند؛ کسانی که مجبورند برای رضایت از خود به نواقص دیگران توجه‌کنند. بنابراین خندیدن به عیب‌های دیگران عمدتاً نشانهٔ بزدلی است» (Deckers, 43: 1993). همان‌طور که می‌بینیم، این افق فکری نسبت به خندیدن و طنز نگاه مثبتی ندارد و آن را نشانه‌هایی از ضعف اخلاقی می‌داند.

تئوری ناسازگاری (Incongruity theory)

تئوری ناسازگاری معتقد است که حسی ناسازگار عامل خنده است. این دیدگاه جیمز بیتی، امانوئل کانت، سورن کیرکگور، آرتور شوپنهاور و بسیاری از فلاسفه و روانشناسان متأخر است. امروزه این تئوری، تئوری غالب برای طنز در فلسفه و روانشناسی است (موریل، ۱۳۹۲: ۴۳). در توضیح مختصر این نظریه می‌توان گفت، طنز حاصل تجربهٔ ناهماهنگی‌ای محسوس میان دانسته‌ها و توقعات ما از یک سو، و اتفاقات رخ داده در لطیفه، خوشمزگی و مزاح از دیگر سو است. (کریچلی، ۱۳۸۴: ۱۲)

تئوری تسکین (Relief theory)

این تئوری در قرن هجدهم در رقابت با تئوری برتری و تئوری ناسازگاری شکل گرفت و تمرکز آن بر ویژگی‌های فیزیکی پدیدهٔ خنده است، به‌ویژه در خصوص سامانهٔ عصبی؛ امری که با تئوری برتری و ناسازگاری بی‌توضیح می‌ماند (موریل، ۱۳۹۲: ۵۱). هر چند هربرت اسپنسر (Herbert Spencer) در قرن نوزدهم، خنده را آزاد شدن انرژی عصبی پسرانده شده توصیف کرد اما این نظریه در قالب کتاب *لطیفه‌ها و رابطهٔ آنها با ناخودآگاه* (Jokes and Their Relation to the Unconscious) اثر زیگموند فروید در سال ۱۹۰۵، شناخته‌تر شده است. فروید در این کتاب ضمن تقسیم‌بندی طنز و لطیفه، شرح می‌دهد که انرژی آزاد یا تخلیه شده در خنده به این دلیل لذتبخش است که از میزان انرژی‌ای که در مواقع معمول برای مهار یا سرکوب فعالیت روانی به کار می‌رود، می‌کاهد. (کریچلی، ۱۳۸۴: ۱۲)

نظریهٔ کارناوال و منطق گفت‌وگویی میخائیل باختین

میخائیل باختین اگرچه در زمینهٔ نقد ادبی شهرت فراوان دارد اما بسیاری از مفاهیم مورد بحث در اندیشه‌های او دارای کارکردهای اجتماعی و سیاسی است. خنده در اندیشهٔ باختین جایگاه

ویژه‌ای دارد و در قالب نظریه کارناوال، او به خندیدن مفهومی اجتماعی و سیاسی می‌بخشد. به نظر باختین، خنده همان نیرویی است که تمام تشریفات فئودالی، اخلاقی، اجتماعی و هر نوع ایدئولوژی را در هم می‌شکند و عنصر کمیک آشکارکننده حقیقت نیز هست. خنده نه شکل خارجی که شکل درونی حقیقت است، نه تنها ما را از سانسور خارجی، بلکه بیش از هر چیز از سانسور درونی نجات می‌دهد (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۰۶). خنده مورد نظر باختین از کارناوال‌های اروپایی در سده‌های میانی و قرون وسطا الگوبرداری شده است. او معتقد است، کارناوال، همان دموکراسی در شرایط خاص است. در وضعیت کارناوالی چنان انسداد، اجبار و خشونت‌های از فرهنگ رسمی اعمال می‌شود که هیچ کاری نمی‌شود مگر استهزا و خنده (انصاری، ۱۳۸۴: ۲۰۵). به نظر باختین جدی بودن به عنوان خشونت سازمان‌یافته همواره در انحصار حاکمان بوده و نکته جالب‌تر اینکه خنده نیز به همان میزان هرگز وارد دنیای حاکمان نشده و همواره اسلحه‌ای در دست مردم باقی ماند (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۰۵). باختین معتقد است شوخ‌طبعی در درون کارناوال شکل می‌گیرد و ایده زمینی کردن، در کانون امر کارناوالی قرار می‌گیرد. آمال و آرزوی کارناوال تخریب و به نابودی کشاندن هژمونی هر نوع ایدئولوژی است که تلاش می‌کند درباره جهان حرف آخر را بزند (انصاری، ۱۳۸۴: ۲۰۸). خنده، طنز و استهزا، دلقک‌بازی‌های نمادین و حتی دستگاه‌های چک‌سازی مردمی ابزارهایی هستند که مردم می‌کوشند در مقابل خشونت و جدیت از آنها بهره‌جویند و با قدرت سلطه‌گر مبارزه کنند. این خنده جنبه دموکراتیک و رهایی‌بخش دارد (همان: ۲۱۰). در چارچوب اندیشه کارناوال، باختین، منطق گفت‌وگویی را مبنای پذیرش انتقاد قرار می‌دهد و عرصه گفت‌وگو را نخست از حوزه قدرت سیاسی و نهادهای وابسته به آن خارج و سپس، تمامی مردم را در آن شریک می‌کند و طیف صاحبان حق انتقاد را گسترش می‌دهد. (معین علمداری، ۱۳۸۱: ۱۷۰)

نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها

در میان نظریه‌های علم ارتباطات، نظریه‌های هنجاری (Normative Theories) به تشریح باید‌ها و نباید‌های حاکم بر وسایل ارتباط جمعی یا به عبارتی، نظام‌های کنترل و مدیریت رسانه‌ها می‌پردازند. نحوه کنترل و مالکیت رسانه‌ها، بر محتوای آنها اثر می‌گذارد و این امر به نوبه خود تأثیرهای رسانه‌ها را معین و مشخص می‌سازد. هنجار و نظام کنترل رسانه‌ها در برهه‌های زمانی و موقعیت‌های مکانی، تابعی از آراء و اندیشه‌های مربوط به فلسفه سیاسی، حقوق و تکالیف انسانی و نظام‌های اقتصادی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۶). اولین کوشش برای بیان مقایسه‌ای نظریه‌های عمده درباره مطبوعات به ۱۹۵۶ توسط سیبرت (Siebert) و همکاران برمی‌گردد که هنوز هم مأخذ اصلی برای کارهایی از این نوع به شمار می‌آید. طبقه‌بندی چهارگانه سیبرت و دیگران هنوز معتبر است و با افزایش دو نوع جدید به طبقه‌بندی شش‌گانه تبدیل شده است. این نظریه‌های شش‌گانه عبارت‌اند از: نظریه اقتدارگرا، نظریه مطبوعات آزاد، نظریه مسئولیت اجتماعی، نظریه رسانه‌های

شوروی، نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش و نظریه مشارکت دموکراتیک رسانه‌ها (مک‌کویل، ۱۳۸۲: ۱۶۲). برای بررسی طنز مطبوعاتی ما ناگزیر از تعریف چارچوبی برای وظایف و عملکردهای مطبوعات هستیم و در میان نظریه‌های فوق، نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها را با توجه به همخوانی با اهداف این تحقیق برگزیده‌ایم. در نظریه مسئولیت اجتماعی اصل بر ایجاد پیوند میان «استقلال و آزادی رسانه‌ها» و «وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی» آنهاست که تأکید می‌کند رسانه‌ها باید در عین پاسخگویی به نیازهای مخاطبان، در برابر فعالیت‌های خود نیز مسئولیت داشته باشند و وظایف اجتماعی خود را محدود به گیرندگان پیام یا مالکان رسانه‌ها ندانند. مضمون اصلی این نظریه این است که آزادی و مسئولیت، دو روی یک سکه هستند و همان‌گونه که رسانه‌ها حق دارند از دولت و سایر نهادها انتقاد کنند، مسئولیتی نیز در قبال مصالح و منافع ملی و پاسخ به نیازهای جامعه دارند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۹). نظریه مسئولیت اجتماعی عقیده دارد که هر شخص که سخن مهمی برای گفتن دارد باید یک تریبون آزاد در اختیار داشته باشد و اگر رسانه‌ها این وظیفه را برعهده نگیرند، باید کسی مراقب باشد که آنها این کار را انجام دهند. (سورین و تانکارد، ۱۳۸۸: ۴۴۵)

روش شناسی

تحلیل محتوای کیفی

در این پژوهش برای بررسی طنز مطبوعاتی در گفتمان‌های سیاسی، روش تحلیل محتوای کیفی را برگزیدیم. هر چند عمده پژوهش‌های تحلیل محتوا کمی است اما عده‌ای نیز معتقدند که تحلیل محتوای کیفی می‌توان به‌عنوان روشی کیفی استفاده کرد؛ چرا که روش کیفی مربوط به شکل و الگوهای متن است و روش کمی مربوط به مدت و تعداد دفعات آن. آبراهامسون (۱۹۸۳) معتقد است: تحلیل محتوا برای بررسی هر نوع ارتباطی به کار می‌رود و این تحلیل می‌تواند بر اساس جنبه‌های کیفی و کمی پیام‌ها باشد. یکی از سؤالات پیش آمده در تحلیل محتوا این است که آیا تحلیل محتوا باید به محتوای آشکار، که عناصری فیزیکی و قابل شمارش‌اند، محدود شود یا بیشتر به محتوای پنهان توجه کند، چراکه تحلیل آشکار با ساختار سطحی پیام مربوط است، ولی تحلیل پنهان قرائتی تفسیری از نمادهای لایه‌های زیرین داده‌های فیزیکی و با ساختار عمیق پیام ارتباط دارد. (سفیری، ۱۳۸۶: ۲۶۷)

برای جمع‌بندی روش تحلیل محتوای کیفی به کتاب ضد روش مراجعه می‌کنیم که مشخصه‌های تحلیل محتوای کیفی را چنین برمی‌شمارد:

- اتکای فلسفی بر پارادایم‌های تفسیری – بر ساختی و پرهیز از رویکردهای نظری عینی‌گرا
- توجه فراوان به مفاهیم و مقوله‌ها در بستر معنایی خاص خودشان
- کم‌توجهی به ابعاد عددی و شمارشی معانی و مفاهیم درون متن. در این شیوه تحلیل عمق و زمینه متن بسیار مهم‌تر از سطح و صورت ظاهری آن است.

- تعیین مفاهیم و مقوله‌ها به صورت تکوینی، استقرایی و استقهای: به این معنا که از تعیین نام، عنوان یا مقوله‌بندی بر اساس فهرست پیشین دوری می‌شود. مفهوم‌یابی و طبقه‌بندی مانند تحلیل تماتیک و نظریه زمینه‌ای به صورت استقرایی و استقهای در جریان متن واکاوی می‌شود.
- انعطاف‌پذیری و خلاقیت: تحلیل محتوای کیفی مانند همه طرح‌های کیفی از ماهیت انعطاف‌پذیر، مارپیچی یا غیرخطی، خلاقانه و فاقد فرمت خاص پیروی می‌کند. (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۱۰)

مقوله‌های مربوط به طنز مکتوب

نوع زبان و نحوه بیان

یکی از مهم‌ترین موارد در طنزنویسی زبان مورد استفاده و نحوه بیان است. این زبان می‌تواند طنز را به سمت ادبی بودن و یا ژورنالیستی بودن برد و علاوه بر آن خط تمایزی میان طنز منتقدانه و هتاک و استهزاء باشد. نحوه بیان نیز میزان مستقیم‌گویی و جانب‌داری متن را مشخص می‌کند.

استفاده از استعاره و نماد

نمادها و استعاره‌ها همواره یکی از ابزارهای مهم نویسندگان در بیان غیرمستقیم و پوشیده بیان کردن مقاصدشان بوده است. استفاده از این صنایع می‌تواند معانی مختلفی را بر متن حمل کند و هر کسی را از ظن خود یار آن کند. ارسطو اصطلاح استعاره (metaphor) را وضع کرد. استعاره در واقع استفاده از یک دال پیچیده است که بر مدلولی انتزاعی از طریق مرتبط ساختن آن با چیزی انضمامی دلالت دارد (دانسی، ۱۳۸۸: ۸۹). طبق تعاریف زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی نیز نماد نشانه‌ای است که بر چیزی به شکلی مبتنی بر قرارداد دلخواهی دلالت دارد. نکته قابل توجه این است که معناهای نمادین همگی از طریق قرارداد اجتماعی تثبیت می‌شوند. بنابراین نمی‌توان آنها را مستقیم درک کرد (همان: ۷۶). استفاده از استعاره و نماد یکی از نشانه‌های مهمی است که می‌توان با آن به این امر پی برد که طنزنویس برای بیان نظرات خود تا چه میزان هراس و ترس دارد و می‌خواهد طنز خود را مستقیم و بی‌پروا بگوید یا در پرده و پنهان.

تلقین و تداعی

شناخت دلالت‌های ضمنی در مرحله تفسیر متن تفسیرگر را قادر می‌سازد تا با بهره‌گیری از دانش زبانی خود نشان دهد که فلان جمله یا گزاره حاوی کدام معنی غیرصریح و غیرآشکار است و نویسنده از به کار بردن آن چه قصد و نیتی داشته است. تلقین به مطالعه اموری مربوط می‌شود که روشن می‌کند متن در صدد ایجاد ذهنیت پیرامون کدام آموزه‌های فکری یا توصیه‌های عملی است و تداعی به معنای یادآوری مفاهیم و موضوع‌های ناگفته در متن است. (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۲)

غیرسازی

در بسیاری از متون نویسنده پای را از تلقین فراتر نهاده و به غیرسازی دست می‌زند. تصویر کردن اندیشه و یا گروه خاصی به‌عنوان افرادی خطاکار و خطرناک از این دست است. این متغیر دارای دو زیرمجموعه مشخص یعنی نحوه توصیف و معرفی خود یا ارزش‌های منتسب به خود و نیز توصیف و معرفی دیگری یا ارزش‌های منتسب به دیگران در متن است. (همان: ۵۰)

مضمون و طرف‌های انتقاد

یک طنز اگر انتقادی باشد در انتقاد خود اصولاً حوزه خاصی را مد نظر دارد و به اندیشه‌ها، افراد، معضلات یا مشکلات خاصی می‌تازد. گاهی این مضمون‌ها و طرف‌های انتقاد مشخص و واضح هستند اما گاهی انتقاد سطوح و افراد مختلفی را مد نظر دارد و نمی‌توان آن را در یک دسته مشخص گنجانند.

مقوله‌های مربوط به تحلیل طنزهای تصویری

طنز مفهومی، طنز غیر مفهومی

منظور از این مقوله این است که طنز تصویری به صورت مستقیم پیام خود را می‌دهد و یا آن را در قالب مفاهیم و نمادها عرضه می‌کند.

طنز تلخ و سیاه، طنز شیرین و فانتری

گاهی اوقات طنز تصویری قصد خنداندن ندارد و هدف‌اش این است که مفهومی دردناک را به مخاطب یادآوری کند. اما گاهی طنز تصویری در قالبی فانتری و همراه با خنده مقصود خود را بیان می‌کند.

مضمون انتقاد و طرف انتقاد

مانند طنز مکتوب در این مقوله نیز به دنبال این هستیم که اگر طنز تصویری رویه‌ای انتقادی دارد مضمون این انتقاد چیست و کدام معضل اجتماعی یا نهاد سیاسی و فرهنگی را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

جامعه آماری و حجم نمونه

نمونه‌های این پژوهش در دوره اول، از روزنامه‌های کیهان و جامعه (توس و نشاط) از بهمن سال ۱۳۷۶ تا بهمن سال ۱۳۷۷ (دوره اول ریاست جمهوری آقای خاتمی) در ۴۸ شماره مورد تحلیل قرار گرفت. از هر ماه به قید قرعه دو شماره را انتخاب کردیم و به تحلیل طنزهای منتشرشده در آنها اعم از مکتوب و غیرمکتوب پرداختیم. نمونه‌های این پژوهش در این سال از روزنامه کیهان به عنوان نماینده جبهه اصول‌گرایی و روزنامه جامعه به عنوان نماینده جبهه اصلاح‌طلبی در آن سال مورد بررسی قرار گرفتند. باید توجه داشت روزنامه جامعه پس از

توقیف شدن در قالب روزنامه‌های توس و نشاط به کار خود ادامه داد. و ستون طنز آنها یک نفر نوشته می‌نوشت و خط مشی و سردبیر تمام این روزنامه‌ها یکسان بود. نمونه‌های این پژوهش در سال ۱۳۸۴ از تاریخ شهریور آن سال با شروع دولت نهم تا یک سال نخست آن یعنی سال ۱۳۸۵ در ۴۸ شماره مورد تحلیل قرار گرفت. در این سال به علت عدم انتشار روزنامه جامعه، روزنامه شرق را به عنوان نماینده جبهه اصلاح طلب و روزنامه کیهان را به عنوان نماینده جبهه اصول‌گرا مورد تحلیل قرار دادیم. نمونه‌های این پژوهش در سال ۱۳۹۲ از تاریخ شهریور آن سال با شروع دولت یازدهم تا یک سال نخست آن یعنی سال ۱۳۹۳ در ۴۸ شماره مورد تحلیل قرار گرفت. در این سال روزنامه شرق را به عنوان نماینده جبهه اصلاح طلب و روزنامه کیهان را به عنوان نماینده جبهه اصول‌گرا مورد تحلیل قرار دادیم.

یافته‌های پژوهش

تحلیل محتوای طنز مطبوعاتی دوره اول بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷

طنز مکتوب روزنامه کیهان

قسمتی از طنز مکتوب این روزنامه در صفحه دوم (صفحه خبر)، تحت عنوان «گفت‌وشنود» و به قلم «محمد شریعتمداری» و طنز دیگر با عنوان «کارگاه طنز» به قلم محمد خرمشاهی در صفحه پانزدهم و گاهی نیز به شکل مبسوط‌تر در صفحه نهم (که مخصوص ادبیات بود) منتشر می‌شد. در کارگاه طنز گاهی نیز از طنزهای ارسال شده خوانندگان روزنامه استفاده شده است. «گفت‌وشنود» در قالب گفت‌وگویی میان نویسنده و شخصی دیگر آغاز می‌شود و با آوردن حکایت و ضرب‌المثلی مرتبط با موضوع به پایان می‌رسد. شروع این ستون همیشه با یک خبر (البته بدون ذکر منبع) است. گفت‌وشنود در قالب نشر و به شکل مکالمه‌ای بسیار کوتاه میان دو شخص که هویتشان هم مشخص نیست روایت می‌شود. در واقع قالبی آماده است که هر بار نویسنده خبر و تمثیلی جدید را در آن جاسازی می‌کند.

کارگاه طنز: طنزهای «کارگاه طنز» در قالب «نظم» و بیشتر «قصیده» و «مثنوی» و گاهی هم «دوبیتی» هستند. محمد خرمشاهی در این ستون زبانی ادبی و نزدیک به شعر شاعران عصر مشروطه و طنزپردازان مجله توفیق را دارد. استفاده از لغات و تعبیرات عامیانه، پای‌بندی به اصول شعر کلاسیک، اشاره به مثل‌های فولکلور، استفاده از مناظره به سبک پروین اعتصامی، تضمین مصرع و بیت‌های مشهور بزرگان ادب فارسی و استقبال از شعرهای مشهور همه از ویژگی‌هایی است که در زبان و نحوه بیان محمد خرمشاهی دیده می‌شود و نشان‌دهنده پیوند قوی این شاعر با گذشتگان است. همان‌طور که گفته شد در کارگاه طنز گاهی شعرهای ارسالی

نیز منتشر شده است که این شعرها نیز در قالب‌هایی کلاسیک و با زبانی سنتی و عامیانه و باز هم در راستای همین جریان به طنزگویی پرداخته‌اند.

طنز تصویری روزنامه کیهان

طنزهای تصویری روزنامه کیهان در سال اول دوره اصلاحات، در صفحه سوم این روزنامه و با عنوان «مقاله‌های بدون متن» منتشر شده است. در بالای ستون خبری از جراید نقل شده و طرحی مرتبط با آن خبر ترسیم شده است. یعنی کارتونها تصویرگر خبر هستند. طنزهای این روزنامه بیشتر حول مسائل اقتصادی و اجتماعی وابسته به آن است و فضای مجله «گل آقا» را در ذهن تداعی می‌کند. این کارتونها نیز به صورت سیاه و سفید منتشر شده‌اند، ساده‌فهم‌اند و وارد مسائلی چون سیاست و یا موضوعات اجتماعی خاص نمی‌شوند.

روزنامه کیهان دوره اول

طنز تصویری	طنز مکتوب
• طنز مفهومی، طنز غیرمفهومی: طنزهای غیر مفهومی هستند. • تلخ و سیاه، شیرین و فانتری: طنزهای شیرین و فانتری هستند. • مضمون و طرف انتقاد: مضمون‌های غیرسیاسی و طرف‌های انتقاد، کشورهای غربی هستند.	• نوع زبان و نحوه بیان: در گفت‌وشنود با زبانی محاوره‌ای و بیانی مستقیم و در کارگاه طنز با زبانی ادبی و بیانی مستقیم • استفاده از تمثیل و نماد: تنها در کارگاه طنز به صورت محدود به کار رفته است. طنز گفت‌وشنود مستقیم است و خود را وارد تمثیل و نماد و استعاره نمی‌کند. • تلقین و تداعی: در گفت‌وشنود کاربرد فراوان دارد به‌ویژه تلقین همکاری برخی از گروه‌های داخلی با دشمنان غربی. در برخی مطالب کارگاه طنز نیز این تلقین‌ها وجود دارد. • غیرسازی: در هر دو ستون به صورت مشخص به کار رفته است. • موضوع و طرف‌های انتقاد: در گفت‌وشنود تمسخر گروه‌های مقابل و کشورهای خارجی و در کارگاه طنز نیز انتقادها محدود و در مورد مسائل اخلاقی است.

نمونه‌ای از طنز گفت‌وشنود روزنامه کیهان منتشر شده در شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۷۷ سال پنجاه و هشتم. "گفت: دفتر تحکیم وحدت اعلام کرده که اگر وزیر کشور بعد از استیضاح رأی اعتماد نیاورد، اعضای این دفتر از شرکت در امتحانات خودداری خواهند کرد".

گفتم: آنها که می‌گفتند مستقل هستند و به هیچ جناح سیاسی وابسته نمی‌باشند، ولی باز جای شکرش باقی است که جناح‌های سیاسی از کودکان‌ها و مهد کودک‌ها عضوگیری نکرده‌اند و گرنه چه می‌شد؟!

گفت: چه می‌شد؟

گفتم: احتمالاً آنها هم از خوردن سهمیه روزانه پفک نمکی و یخمک و لواشک خودداری می‌کردند. و آن وقت فکرش را بکن چه می‌شد.

نمونه یکی از سروده‌های محمد خرمشاهی در کارگاه طنز: این شعر در مورد مردی است که آفتابه دزدی کرده است و به زندان می‌افتد. پس از آزادی از زندان هم صحبت شخصی می‌شود تا از او پولی بگیرد، آن فرد وقتی می‌فهمد که او آفتابه دزد است، این‌گونه سرزنشش می‌کند:

زنده نتوان گفت بر تو، مرده‌ای

آبروی دزدها را برده‌ای

ننگ دزدانی تو ای دزد کثیف

مثل من شو تا شوی دزد شریف!

می‌خورم یک ضرب بیت‌المال را

می‌کشم بالا همه اموال را

...

خنده‌ها بر ریش قانون می‌زنم

طعنه‌ها بر گنج قارون می‌زنم

(کیهان، ۳۰ خرداد ۱۳۷۷ شماره ۱۶۲۴۹)

طنز مکتوب روزنامه جامعه، توس، نشاط

طنزهای روزنامه جامعه و پس از آن توس و نشاط را سیدابراهیم نبوی می‌نوشت. طنزهای این نویسنده در روزنامه جامعه با عنوان ستون پنجم و پس از آن با عنوان «ستون چهارم» و «بی‌ستون» به چاپ می‌رسید. این ستون‌ها در صفحه چهارم روزنامه که صفحه سیاسی بود انتشار می‌یافتند و همین امر خود نشان‌دهنده مضمون غالب این طنزها بود.

انتخاب عنوان ستون پنجم اعلام می‌کند که این ستون مانند جاسوسی است که می‌خواهد به مسائل سرک بکشد و علاوه بر آن خود می‌گوید جاسوس است و به صورت کنایی نگاه‌های همراه با سوء ظن را به طنز تمسخر می‌کند. طنزهای منتشر شده در این ستون‌ها را بیش از هر چیز باید یادداشت ژورنالیستی به حساب آورد. در واقع نویسنده، یادداشت نویس مطبوعاتی است که از دید خود به تحلیل وقایع می‌پردازد و در این تحلیل‌ها چاشنی طنزی را نیز اضافه به کار کرده است. البته نبوی در این ستون راه‌های متفاوتی را برای ورود به موضوع برمی‌گزیند، گاه ستون را با نقل یک خبر آغاز می‌کند و گاه از جانب خود و بدون وابستگی به خبری مشخص به بحث می‌پردازد. علاوه بر این او با استفاده از ابتکارات فرمی و زبانی به کار خود تنوع می‌بخشد. یکی از شگردهای او این است که، در هر متن با توجه به مضمون آن به دسته‌بندی‌هایی طنزآمیز می‌پردازد و از طریق آنها از متن خود نتیجه‌گیری می‌کند.

طنز تصویری روزنامه جامعه، توس، نشاط

روزنامه جامعه از لحاظ طنز تصویری روزنامه‌ای متفاوت با سایر روزنامه‌های مورد بررسی است. این روزنامه به‌ویژه در شماره‌های ابتدایی‌تر (یعنی قبل از آن‌که مورد اختصار قرار بگیرد) به‌صورت گسترده‌ای از تصویرهایی در قالب کارتون استفاده کرده است. کارتون‌های منتشرشده در این روزنامه، بیشتر در دسته طنزهای سیاه و مفهومی جای می‌گیرند. و برای درک آنها نیاز به دقیق شدن و شناخت پاره‌ای از نمادها و نشانه‌هاست و به تعبیری آسان فهم نیستند و مخاطبان خاصی را هدف قرار می‌دهند.

روزنامه جامعه برعکس روزنامه‌های دیگر در قسمت پایین سمت چپ و در صفحه اول، ستونی به نام طرح روز داشت که اکثراً کارتون‌هایی را منتشر می‌کرد که هیچ‌کدام از آنها به یک خبر یا حادثه سیاسی و اجتماعی مشخص اشاره نمی‌کردند؛ بلکه آنچه بیش‌تر مورد اشاره است، مضامینی کلی‌تر و به‌ویژه، آزادی، آزادی قلم، آزادی اندیشه و پس از آن فقر و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است. تمام کارتون‌های جامعه بدون شرح و جز در مواردی معدود سیاه و سفید هستند. این روزنامه در شماره‌های ابتدایی در صفحات مختلف خود از جمله اندیشه، سیاست، اقتصاد، ادبیات، جهان، صفحه آخر، از طرح و کارتون استفاده کرده است. در واقع این نوع صفحه‌بندی همراه با طرح و کارتون‌های مفهومی، یکی از ویژگی‌های خاص این روزنامه است که نشان از ارزش‌ها و دغدغه‌های ویژه‌ای دارد. هرچند پاره‌ای از این طرح‌ها بسیار دیرفهم و نمادین بوده و مناسب مخاطبان خاصی است که شاید در دسته تمام مخاطبان روزنامه نگنجد، از خرداد و تیرماه ۱۳۷۷ و نزدیک شدن به تعطیلی روزنامه از تعداد این طرح‌ها به‌شدت کاسته می‌شود و در روزنامه توس که به جای جامعه منتشر شد، نیز از طنزهای تصویری کاسته شده و در روزنامه نشاط هم به همین صورت است. آنچه از روند این روزنامه در چاپ کارتون و طرح مشخص است، تحت فشار قرار گرفتن به خاطر انتشار آنهاست، چراکه بعد از تذکرات و توقیف‌ها این طرح‌ها به شکل قابل مقایسه‌ای کاهش پیدا کردند به صورتی که در روزنامه نشاط عملاً شاهد حذف کارتون هستیم.

روزنامه جامعه، توس، نشاط در دوره اول

طنز مکتوب	طنز تصویری
• نوع زبان و نحوه بیان: زبان رسمی با نحوه بیان مستقیم است.	• طنز مفهومی، طنز غیرمفهومی: طنزهایی به شدت مفهومی و نمادین هستند.
• استفاده از استعاره و نماد: خیلی محدود و بیشتر طنز مستقیم است.	• تلخ و سیاه، شیرین و فانتری: طنزهایی تلخ و سیاه هستند.
• تلقین و تداعی: به صورت غیرمستقیم در پی تلقین گفتمان دوم خردادی است.	• مضمون و طرف انتقاد: مضمون‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عمیق‌تری مانند آزادی بیان، آزادی و فقر هستند.
• غیرسازی: با تمسخر غیرسازی، عمل غیرسازی جناح سیاسی مقابل خود را هجو می‌کند.	
• موضوع و طرف‌های انتقاد: موضوع انتقادها کاملاً سیاسی و طرف‌های انتقاد دستگاه‌های سیاسی و اجرایی کشور هستند.	

نمونه طنز ستون پنجم: در این متن که ۲۸ تیر ۱۳۷۷ و در شماره ۱۰۹ این روزنامه منتشر شده است، نبوی با تمثیلی از فواید این امر که در تهران زلزله آمده است انتقادهای خود را مطرح می‌کند. در این جا قسمتی از این متن را برای نمونه ذکر می‌کنیم: «... زلزله باعث خواهد شد، ساختمان بسیاری از سازمان‌های اداری، تبلیغاتی، فرهنگی و غیره خراب شود و مسئولان آن سازمان‌ها دلیلی واقعی برای تعطیلی پیدا کنند و از این طریق هم مشکل بیکاری مدیران آن سازمان‌ها حل بشود و هم کارکنان آن سازمان‌ها دنبال یک کار شرافتمندانه بروند.»

در شماره ۵۱ این روزنامه در ۶ اردیبهشت ۱۳۷۷ می‌خوانیم: در راستای گفته‌های نماینده دزفول که در کشف اسناد وابستگی روزنامه جامع‌ه اظهار داشته، نماینده فیروزکوه نیز اسناد وابستگی اکبر هاشمی رفسنجانی را افشاء کرد.

اکبر هاشمی رفسنجانی از وابستگان خانم فائزه هاشمی بوده و در همین راستا مردم به فائزه هاشمی رأی داده‌اند. پیشنهاد می‌شود فائزه هاشمی و کلیه کسانی که به وی رأی داده‌اند از کار برکنار شوند.»

تحلیل محتوای طنز مطبوعاتی دوره دوم بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵

طنز مکتوب روزنامه کیهان

طنز مکتوب این روزنامه در ستون گفت‌وشنود در صفحه دوم، به صورت نشر و در صفحه پانزدهم در قالب نظم است.

زبان و نحوه بیان این ستون‌ها از سال ۱۳۷۶ تغییر قابل توجهی نکرده است. در گفت‌وشنود همان زبان عامیانه و لحن همراه با تمسخر و در شعرهای میلاد نیز همان زبان ادبی و وام‌دار ادبیات کلاسیک به همراه لحنی پندآموز حاکم است.

همانند دوره پیشین، مفاهیم تلقینی در این طنزها بسیار زیاد است. تلقین این امر که کشورهای غربی در داخل کشور و از طریق برخی گروه‌های داخلی، در حال صدمه زدن به نظام هستند و اینکه برای سلامت جامعه لازم است ارزش‌های دینی از بین نروند. البته طنز گفت‌وشنود، بیشتر القاگر دسیسه‌های غرب و منحرف بودن برخی گروه‌های داخلی و طنز میلاد تلقین‌کننده لزوم منحرف نشدن از ارزش‌های دینی و اخلاقی است.

طنز کیهان به غیرسازی در دو سطح می‌پردازد؛ یکی در سطح بین‌المللی که آغاز مذاکرات هسته‌ای و درگیری ایران با آژانس انرژی اتمی نیز آن را برجسته‌تر کرده است و یکی در داخل و درگیری با گروه‌های اصلاح‌طلب که آنها را به عنوان جریان‌های منحرف و آسیب‌رسان به انقلاب معرفی می‌کند. این تعریف ما و دیگری به‌ویژه در ستون گفت‌وشنود بسیار مشهود است.

طنز تصویری روزنامه کیهان

طنز تصویری این روزنامه در صفحه چهارم و با عنوان مقاله بدون متن و به شکل سیاه و سفید منتشر شده است. این کارتون‌ها در توضیح یک عنوان ترسیم شده‌اند، برای مثال "مدرسۀ

حقوق بشر انگلیسی“ که مرتبط با این عنوان کارتونی طراحی شده است. در مجموع کارتون‌های این روزنامه بیش از هر چیز سیاست‌های کشورهای غربی و رژیم صیہونیستی را مورد انتقاد و ریشخند قرار داده و در موضوعات داخلی نیز، مشکلات اقتصادی را نقد کرده‌اند. این کارتون‌ها به حیطة مسائل سیاسی داخلی وارد نمی‌شوند.

روزنامه کیهان دوره دوم

طنز مکتوب	طنز تصویری
• نوع زبان و نحوه بیان: در گفت‌وشنود با زبانی محاوره‌ای و بیانی مستقیم و در کارگاه طنز با زبانی ادبی و بیانی مستقیم • استفاده از تمثیل و نماد: تنها در کارگاه طنز به صورت محدود به کار رفته است. • تلقین و تداعی: در گفت‌وشنود کاربرد فراوان دارد به‌ویژه تلقین همکاری برخی از گروه‌های داخلی با دشمنان غربی. در برخی مطالب کارگاه طنز نیز این تلقین‌ها وجود دارد. • غیرسازی: در هر دو ستون به صورت مشخص به کار رفته است. • موضوع و طرف‌های انتقاد: در گفت‌وشنود تمسخر گروه‌های مقابل و کشورهای خارجی و در کارگاه طنز نیز انتقادها محدود و در مورد مسائل اخلاقی است.	• طنز مفهومی، طنز غیرمفهومی: طنزهایی غیر مفهومی هستند. • تلخ و سیاه، شیرین و فانتزی: طنزهای شیرین و فانتزی هستند. • مضمون و طرف انتقاد: مضمون‌های غیرسیاسی و طرف‌های انتقاد، کشورهای غربی هستند.

طنز مکتوب روزنامه شرق

روزنامه شرق در سال ۱۳۸۴ تا آذرماه، مطلب طنزی را در شماره‌های روزانه خود منتشر نمی‌کرد. مطالب طنز این روزنامه در روز جمعه هر هفته و در ویژه‌نامه‌ای هفتگی، در یک صفحه اختصاصی به چاپ می‌رسید. در اواسط آذرماه در صفحه آخر این روزنامه ستون “کرگدن‌نامه” به قلم “سیدعلی میرفتاح” و ستونی برای کارتون، منتشر شد. به همین سبب تا پیش از آذرماه، به تحلیل طنزهای این ویژه‌نامه و پس از آن به طنزهای کرگدن‌نامه پرداخته‌ایم. طنزهای هفتگی شرق در قالب‌های گوناگون طنز مکتوب منتشر می‌شدند. داستان کوتاه، شعر، حکایت، گزارش و ... علاوه بر این، قسمتی نیز با عنوان طنز آماده، که به چاپ طنزهای مخاطبان و علاوه بر آن جست‌وجو در خبرهای ورزشی و سینمایی که جنبه طنز داشتند، می‌پرداخت. چاپ شدن این ویژه‌نامه در روز جمعه و تنوع قالب‌ها و غلبه جنبه سرگرم‌کنندگی آن تداعی‌گر طنز رادیویی “صبح جمعه با شما” است.

زبان طنزهای منتشر شده در شرق چه در ستون کرگدن‌نامه و چه در ویژه‌نامه‌ها دارای زبانی قوی و ادبی هستند. شاید بار طنز در برخی از این نوشته‌ها زیاد نباشد اما هنر نویسندگی آنها در

سطح مناسبی است. بیان طنز در نوشته‌های این روزنامه به هیچ وجه مستقیم نیست و حتی حالت پند و اندرز نیز ندارد.

طنزهای شرقی چه در کرگدن‌نامه و چه در ویژه‌نامه به شدت از تمثیل و نماد و استعاره استفاده می‌کنند. تمام ماجراهای کرگدن‌نامه در محیطی تمثیلی پیش می‌رود یا داستان‌های طنز شهرام شهیدی در سرزمینی خیالی می‌گذرد که نمادی از کشور ایران است و کنفرانس منوچهر احترامی نیز به همین شکل است.

طنزهای شرقی بیش از هر چیز سوژه انتقادهای اجتماعی و فرهنگی دارند و تنها در مواردی محدود در ستون کرگدن‌نامه به انتقاد سیاسی می‌پردازند. پس از جدا شدن ستون کرگدن‌نامه و انتشار روزانه آن، میرفتاح در بسیاری از موارد، در این ستون یادداشت‌های جدی می‌نگارد و گویی طنز برای او یکی از راه‌های بیان مطلب است و اصراری بر آن ندارد.

طنز تصویری روزنامه شرق

این روزنامه از طنز تصویری استفاده بسیار کمی کرده است. یعنی تا اواخر آذرماه ۱۳۸۴ اثری از کارتون در این روزنامه نیست و حتی در ویژه‌نامه طنز نیز تنها در یک مورد از کارتون برای طرح روی جلد استفاده شده است. پس از آذرماه کارتون‌های این روزنامه در صفحه آخر و با عنوان از "نگاه طراح" منتشر شده‌اند. این کارتونها رنگی و در توضیح یک تیتیر کشیده شده‌اند. مضمون آنها، انتقادی و بیشتر در مورد سیاست خارجه، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ است. این کارتونها جز در یک مورد، وارد سیاست داخلی نشده، ساده‌فهم بوده و با مخاطب به سرعت رابطه برقرار می‌کنند. طنز تصویری شرق، مانند طنز مکتوب آن، در فضایی ملایم و غیرسیاسی حرکت می‌کند.

روزنامه شرق در دوره دوم

طنز تصویری	طنز مکتوب
• طنز مفهومی، طنز غیر مفهومی: طنزهایی غیرمفهومی هستند. • تلخ و سیاه، شیرین و فانتزی: طنزهایی شیرین و فانتزی هستند. • مضمون و طرف انتقاد: مضمون‌هایی اقتصادی، اجتماعی و در نقد کشورهای خارجی و حوادث بین‌المللی مانند جنگ و فقر هستند.	• نوع زبان و نحوه بیان: ادبی با نحوه بیان غیرمستقیم • استفاده از استعاره تمثیل و نماد: بسیار زیاد است. • تلقین و تداعی: ندارد • غیرسازی: ندارد • موضوع و طرف‌های انتقاد: در طنزهای انتقادی بیشتر، انتقادهای اجتماعی و فرهنگی مطرح می‌شود و انتقادهای سیاسی بسیار محدود است.

برای مثال، داستان‌های "شهرام جوادی‌نژاد" یکی از نویسندگان این ویژه‌نامه در شهری به نام "جغرافیا" می‌گذرد که می‌توان آن را نمادی از ایران در نظر گرفت. در یکی از این داستان‌ها که در شماره ۶۲۲ این روزنامه و در تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۸۴ منتشر شده است، یکی از اعضای

چغراآباد دستگاه دروغ سنج اختراع می‌کند که در شهر مورد استفاده قرار می‌گیرد اما پس از مدتی، استفاده از این دستگاه باعث می‌شود بسیاری از شغل‌ها در شهر از بین برود و همه کارها به هم بریزد.

تحلیل محتوای طنز مطبوعاتی دوره سوم بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۳

طنز مکتوب روزنامه کیهان

آنچه در روزنامه کیهان سال ۱۳۹۲ متفاوت است، حذف شدن طنز تصویری و منظوم از این روزنامه است و تنها ستون گفت‌و شنود نوشته طنز این روزنامه است که منتشر می‌شود. برای گفت‌و شنود نیز سخن جدیدی نمی‌توان گفت. این ستون دقیقاً به همان روال گذشته منتشر می‌شود، شاید تنها تفاوت آن با گذشته در حرکت بیشتر به سمت تمسخر و اضافه شدن عبارت فتنه‌گران به واژگان است. کیهان این سال به تمسخر دولت، به‌ویژه در سیاست خارجی و توافقات هسته‌ای می‌پردازد. در این سال ستون کارگاه طنز از این روزنامه حذف شده است.

روزنامه کیهان دوره سوم

طنز مکتوب

- نوع زبان و نحوه بیان: در گفت‌و شنود با زبانی محاوره‌ای و بیانی مستقیم
- استفاده از استعاره تمثیل و نماد: تنها به صورت خیلی محدود به ضرب‌المثل‌های عامیانه اشاره می‌کند.
- تلقین و تداعی: مانند دوره‌های قبل تلقین و تداعی پررنگ و حتی بیشتر شده است.
- غیرسازی: با توجه به حوادث پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ غیرسازی با تعبیر فتنه‌گران در این ستون بسیار پررنگ‌تر شده است.
- موضوع و طرف‌های انتقاد: در گفت‌و شنود تمسخر شدید گروه‌های وابسته به اصلاح‌طلبان و کشورهای خارج

طنز مکتوب روزنامه شرق

طنز مکتوب این روزنامه در صفحه آخر و به قلم پوریا عالمی منتشر می‌شود. عالمی تا پایان سال ۱۳۹۲ ستونی با نام "از هر نظر بی‌ضرر" دارد و پس از آن ستون "آمبولانس" را می‌نویسد. زبان نویسندگان از هر نظر بی‌ضرر، زبانی غیررسمی است که در اکثر موارد با بیان محاوره‌ای آمیخته می‌شود. لحنی که در نوشته‌های این ستون غالب است، لحنی غیرجدی و فارغ از پای‌بندی‌های ادبی و زبانی است. نویسندگان با لحن بیان خود این حس را القا می‌کند که مطلبی غیرجدی می‌نگارد، در واقع عالمی بار طنز خود را تا اندازه زیادی بر لحن کلامش می‌گذارد، که در آن تمسخری ظریف در برخورد با موضوعات گنجانده شده است. در ستون آمبولانس، نیز به همین صورت است.

در این دوره دوباره شاهد بازگشت اصلاح‌طلبان به طنز سیاسی، البته این بار محتاط‌تر، هستیم. طنز عالمی تأثیر زیادی از طنز ستون پنجم دارد اما دست به عصاتر راه می‌رود و در کنار مطالب سیاسی به مسائل فرهنگی و اجتماعی نیز گریز می‌زند.

آنچه در طنزهای شرق ۱۳۹۲ مورد استفاده قرار گرفته است، استفاده فراوان از صنعت ادبی استعارهٔ مکنیه یا همان تشخیص است. برای مثال در یکی از شماره‌های این روزنامه متنی منتشر شده است که در آن خیابان‌های تهران (فردوسی، بهارستان و ...) شروع به بحث‌کردن با هم می‌کنند. در واقع در این متن نویسنده با استعارهٔ خیابان‌ها حرف‌هایی که اشخاص و نهادها باید بگویند را از زبان خیابان‌ها می‌زند و یا در متنی دیگر او به سراغ مصاحبه با سیب‌زمینی می‌رود. در این متن نیز با جان‌بخشی به سیب‌زمینی و با توجه به پیش‌زمینه‌های ذهنی و مفهوم استعاری آن، سیب‌زمینی استعاره‌ای از دولت نهم و دهم می‌شود که نویسنده به شکلی غیر مستقیم دولت قبل را خطاب قرار می‌دهد.

طنز تصویری روزنامهٔ شرق

طنزهای تصویری شرق ۹۳-۱۳۹۲ نیز به شیوهٔ شرق ۱۳۸۴ در صفحهٔ آخر و این بار تحت عنوان "کارتون‌خواب" منتشر می‌شوند. برخی از این کارتونها در شرح یک خبر و برخی دیگر بدون شرح هستند. مضمون غالب این کارتونها وضعیت جهان و اعتراض به مواردی چون کشتارهای تروریستی، حمله‌های رژیم صهیونیستی، گرسنگی و فقر است. در مورد اخبار داخلی بیش از سایر اخبار، اقتصادی و فرهنگی و زیست‌محیطی به چشم می‌خورد. کارتونها بدون شرح چاپ‌شده، به‌ویژه در سال ۱۳۹۲ بسیار دیرفهم هستند و عملاً برخی از آنها نمی‌توانند پیام مورد نظر طراح را برسانند. طنزهای تصویری به‌شکل رنگی منتشر شده‌اند و همان طور که گفته شده وارد حیطه‌های سیاست داخلی نمی‌شوند و بیشتر در راستای واکنش به اخبار جهانی و در قبال اخبار داخلی بی‌خطر هستند.

روزنامهٔ شرق در دورهٔ سوم

طنز مکتوب	طنز تصویری
• نوع زبان و نحوهٔ بیان: زبان غیررسمی و با نحوهٔ بیان تقریباً مستقیم و همراه با شوخی است. • استفاده از استعاره و نماد: کمابیش دارد. به‌ویژه در مورد انتقاد از مسائل سیاسی و عملکرد دولت قبل. • تلقین و تداعی: تلقین و تداعی در مورد ناکارآمدی دولت قبل است. • غیرسازی: به صورت غیرمستقیم وجود دارد. طرفداران دولت قبل و عملکرد آنها به عنوان مواعی در جهت به ثمر رسیدن فعالیت‌های دولت کنونی است. • موضوع و طرف‌های انتقاد: طنزهای سیاسی و اجتماعی با طرف انتقاد دولت قبل و نمایندگان مجلس و برخی نهادهای اجرایی است.	• طنز مفهومی، طنز غیر مفهومی: کمتر طنزهایی مفهومی و بیشتر طنزهایی غیرمفهومی هستند. • تلخ و سیاه، شیرین و فانتری: بیشتر طنزها شیرین و فانتری هستند و گاهی شامل طنزهای تلخ نیز می‌شود. • مضمون و طرف انتقاد: مضمون‌هایی اقتصادی، اجتماعی و در نقد کشورهای خارجی و حوادث بین‌المللی مانند جنگ و فقر و حوادث زیست محیطی هستند.

نمونه‌ای از طنز این روزنامه

جلو مجلس داشتم دور دور می‌کردم که نگاه کردم به راست خیابان. کاملاً راست سوت و کور بود. دو تا فولکس و سه تا ژیان ایستاده بودند و ترمز دستی را کشیده بودند و داشتند سخت پایداری می‌کردند. از این طرف سمت چپ یکسری ماشین می‌خواستند گازش را بگیرند و حرکت کنند و رو به جلو بروند اما پلیس ایستاده بود و داشت همه را جریمه می‌کرد و می‌گفت: این جا محدوده ترافیک است. (شرق، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۳، سال یازدهم، شماره ۳۰۰۳)

نتیجه‌گیری

در مقایسه روزنامه‌های مذکور در این سه دوره نتیجه می‌گیریم، بعد از دوره اصلاحات و به‌ویژه در دولت نهم، روزنامه‌های وابسته به جناح اصلاح‌طلب، در طنزهای خود محتاط‌تر شده و بیشتر به طنزهای تمثیلی و استعاری پرداخته‌اند. در دولت یازدهم طنز اصلاح‌طلبان تا حدی این فضای تمثیلی و استعاری را کنار می‌گذارد اما در مجموع آنها دیگر وارد طنز ستون پنجمی نمی‌شوند. طنز ستون پنجم تنها جایی است که جناح اصلاح‌طلب به صورت مستقیم به انتقاد و استهزای طرف مقابل می‌پردازد و به طنزی کاملاً سیاسی و وابسته به اتفاقات روز و هم‌سو با جریان خود، دست می‌زند. در مقابل روزنامه کیهان این طنز مبتنی بر استهزای جریان مقابل را در هر سه دوره حفظ کرده و حتی در دولت یازدهم و با حذف سایر ستون‌های طنز و بسنده کردن به گفت‌وشنود این امر را پررنگ‌تر می‌کند. از نظر هنری و ادبی طنز روزنامه شرق در سال ۱۳۸۴ طنزی غنی‌تر و ادبی‌تر است اما از آنجا که در بسیاری از موارد، منش انتقادی ندارد، به طنزی خنثی تبدیل می‌شود. در مجموع در دولت نهم اصلاح‌طلبان برعکس دوره اصلاحات، طنز را به عنوان یکی از ابزارهای بیان سیاسی خود به کار نمی‌گیرند. استفاده نکردن از طنز و کارتون در روزنامه برای چندین ماه خود گواهی بر این امر است. گویی این روزنامه به نقشی ژورنالیستی برای طنز اعتقاد چندانی ندارد. اما در این دوران طنز کیهان به هر دو جنبه طنز، یعنی هم سرگرمی و هم سیاسی می‌پردازد. در دولت یازدهم، همان طور که گفته شد، طنز مکتوب در روزنامه اصلاح‌طلبان سیاسی‌تر می‌شود و بیشتر فضای ژورنالیستی می‌گیرد، هرچند در قیاس با طنز دوره قبل از لحاظ ارزش هنری و زبانی ضعیف‌تر است. در مجموع طنزهای روزنامه‌های اصلاح‌طلب در گفتمان‌های مختلف سیاسی سال‌های اخیر تغییرات بیشتری کرده و رویه‌های مختلفی در پیش گرفته‌اند در صورتی که طنز روزنامه جناح اصول‌گرا ثبات بیشتری داشته است. طنز مکتوب اصلاح‌طلبان از طنز سیاسی، مستقیم و مطبوعاتی در دوره اول اصلاحات به طنز ادبی، تمثیلی و غیرسیاسی در دوره اول اصول‌گرایی و طنز ژورنالیستی- ادبی با درون‌مایه اجتماعی- سیاسی در دوره اعتدال تغییر می‌کند. طنز اصول‌گرایان در هر سه دوره طنزی مستقیم با درون‌مایه سیاسی در ستون گفت‌وشنود و اخلاقی، سرگرمی در ستون طنز منظوم است.

طنز تصویری نیز همچون طنز مکتوب در این سه دوره تغییرات زیادی کرده است. در سال اول دوره اصلاحات طرح و کارتون در روزنامه اصلاح طلبان کارکردی ویژه و بسیار پررنگ دارد. چاپ طرح‌هایی با مضامین انتقادی و تلخ که تصویرگر اخبار روز نیست بلکه به کاستی‌هایی در زمینه آزادی بیان، آزادی اندیشه، فقر و بی‌خبری می‌پردازد، کارکرد ویژه‌ای را بر دوش کارتون این دوره می‌گذارد. طنز تصویری اصلاح طلبان برخلاف طنز مکتوبشان به هیچ روی مستقیم نیست و بسیار نمادین است. این طرح و کارتونها در تمام صفحه‌های روزنامه گنجانده شده و حتی در صفحه اول ستونی ثابت دارند، تمام آنها نیز بدون شرح هستند. هر چقدر که به تعطیلی روزنامه جامعه و سال ۱۳۷۷ نزدیک می‌شویم از تعداد این طرح‌ها کاسته می‌شود. سال ۱۳۸۴ چرخشی شدید نسبت به طرح و کارتون در روزنامه اصلاح طلبان دیده می‌شود. این روزنامه چندین ماه از هیچ طرح و کارتونی استفاده نمی‌کند و پس از آن نیز در صفحه آخر خود به چاپ کارتون‌هایی مبتنی بر اخبار اجتماعی، اقتصادی و جهانی می‌پردازد. برعکس سال ۱۳۷۶ این کارتونها ساده و فارغ از پیچیدگی هستند. در سال ۱۳۹۲ نیز روند کارتون در روزنامه‌های اصلاح طلب کم‌وبیش به همین شکل است. در واقع با بیان مضامین مهم اجتماعی، فرهنگی و سیاسی استفاده از طرح و کارتون در روزنامه جامعه مخصوص به خود است و روزنامه‌های اصلاح طلب در دوره‌های بعد به این شکل از طرح و کارتون استفاده نمی‌کنند. در روزنامه شرق تعداد کارتونها بدون شرح و مفهومی به شدت کاهش یافته و از کارتون‌های رنگی، در شرح یک عنوان یا خبر و فانتزی‌تر استفاده می‌شود.

در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ طنز تصویری در روزنامه کیهان به عنوان نماینده گفتمان اصول‌گرا در شرح یک عنوان و در واقع در نقش تصویرگری اخبار به کار می‌رود. طنز تصویری اصول‌گرایان نیز همچون طنز مکتوب در برابر تغییر گفتمان‌ها تغییر نکرده است و به‌ویژه در سیاست خارجی عقاید روزنامه و جناح خود را ترویج می‌دهد. در سال ۱۳۹۲ کارتون به شکل کامل از این روزنامه حذف می‌شود.

در مجموع در زمینه کارتون مطبوعاتی، روزنامه اصلاح طلبان تغییرات بیشتری نسبت به روزنامه اصول‌گرایان داشته است و روزنامه جامعه در بین روزنامه‌های دیگر تنها روزنامه‌ای است که از کارتون برای بیان اندیشه و پیام و نه یک خبرسان استفاده کرده است.

بر طبق چارچوب نظری این پژوهش طنزی که روزنامه کیهان در هر سه دوره مورد بررسی به آن پای‌بند است با نظریه برتری تطابق دارد. به‌ویژه در ستون گفت‌و شنود که نویسنده با استهزای طرف مقابل قصد ایجاد حقانیت خود را دارد. در طنزهای منظوم کیهان نظریه برتری با نظریه تسکین ترکیب می‌شود و مطالب طنز قصد نصیحت و سرگرمی مخاطب را دارند. اگر به نظریه باختین رجوع کنیم عوض شدن گفتمان‌های سیاسی و تغییر در فضای آزادی بیان، با توجه به یکی از شعارهای مهم دولت اصلاحات، تأثیری در نحوه طنز روزنامه کیهان نگذاشته و این روزنامه در نحوه انتقاد خود، تغییری ایجاد نمی‌کند.

در مقابل روزنامه کیهان طنز مطبوعاتی در روزنامه های نماینده جریان اصلاحات وضعیت متفاوتی دارد و در هر دوره می توان غلبه یک تئوری طنز را مشاهده کرد. در طنز مطبوعاتی دوره اول (اصلاحات) مانند ستون گفت و شنود، شاهد غلبه نظریه برتری هستیم که گه گاهی به نظریه ناهماهنگی نیز نزدیک می شود. مانند گفت و شنود، ستون پنجم نیز با انتقاد همراه با تمسخر از گفتمان طرف مقابل قصد اثبات مواضع فکری خود را دارد. و در این میان در برخی از طنزها با نشان دادن جنبه های طنز آلود یک پدیده اجتماعی می خواهد زمینه اصلاح آن را فراهم کند.

در دوره دوم (اصولگرایی) روزنامه نماینده جناح اصلاح طلب، به سمت نظریه تسکین یا همان طنز برای سرگرمی حرکت می کند. در این دوره طنزهایی از جنبه ادبی قوی و از جنبه انتقادی ضعیف داریم که خود را وارد فضای سیاسی نمی کنند.

در دوره سوم طنز مطبوعاتی اصلاح طلبان به سمت نظریه ناهماهنگی پیش می رود هرچند می توان رگه هایی از نظریه برتری را نیز در آن مشاهده کرد. طنزنویس به دنبال تمسخر ضعیف ها و از این طریق اصلاح آنهاست اما وقتی موضوع طنزها انتقاد از عملکرد دولت قبل است، نظریه برتری قوت می گیرد.

بر عکس روزنامه کیهان، طنز روزنامه های اصلاح طلب به شدت از گفتمان های سیاسی غالب در کشور تأثیر می پذیرند اما بر خلاف نظریه باختین در شرایطی که گفتمان غالب از نظر ممیزی فشارهای بیشتری وارد می کند و شعار اصلی آزادی بیان نیست، طنز هم کارکرد انتقادی کمتری پیدا کرده و به سمت طنزهای سرگرم کننده می رود. در واقع می توان این طور نتیجه گرفت که نظریه باختین در مورد کارکرد انتقادی طنز در شرایط بسته سیاسی، در مورد طنز مطبوعاتی ایران صادق نیست و باید آن را در شکل های غیررسمی تر طنز مانند طنزهای شفاهی جست و جو کرد.

در هر دو شکل طنز در هر سه دوره مورد بررسی شاهد پای بندی به نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه ها هستیم یعنی هر دو روزنامه با توجه به گفتمان خود سعی در استفاده از طنز در این راه دارند. چه در مورد مسائل سیاسی و چه در مورد مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۸)، *ساختار و تأویل متن*، نشر مرکز، تهران.
- انصاری، منصور (۱۳۸۴)، *دموکراسی گفت و گویی، امکانات دموکراتیک اندیشه های میخائیل باختین و یورگن هابرماس*، نشر مرکز، تهران.
- آریان پور، یحیی (۱۳۷۲)، *از صبا تا نیما*، ج ۲، چاپ پنجم، انتشارات زوار، تهران.
- حیدری، هادی (۱۳۸۳)، *ادبیات کاریکاتور ایران در عصر اصلاحات*، انتشارات روزنه، تهران.
- دانسی، مارسل (۱۳۸۸)، *نشانه شناسی رسانه ها*، ترجمه گودرز میلانی و بهزاد دوران، نشر چاپار، تهران.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۶)، *روش های پژوهش کیفی در علوم اجتماعی*، انتشارات کتاب پویا، تهران.

سورین، ورنر و جیمز تانکارد (۱۳۸۸)، *نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه دکتر علی‌رضا دهقان، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۲)، *راه دراز گذار، بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران ۱۳۷۷-۱۳۸۵*، فرهنگ و اندیشه، تهران.

کریچلی، سیمون (۱۳۸۴)، *در باب طنز*، ترجمه سهیل سمی، انتشارات ققنوس، تهران.

لوسی، ادوارد (۱۳۶۴)، *هنر کاریکاتور*، ترجمه ناشر، انتشارات برگ، تهران.

محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، *صدروش*، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.

مک‌کویل، دنیس (۱۳۸۲)، *درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی*، ترجمه پرویز اجاللی، دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران.

موریل، جان (۱۳۹۲)، *فلسفه طنز*، ترجمه محمود فرجامی و دانیال جعفری، نشر نی، تهران.

Deckers, Lambert (1993), "on the Validity of a Weight-Judging Paradigm for the Study of Humor", *Humor: International Journal of Humor Research*6.